

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان  
سلسله نشریات موضوعی

## صلح به هر قیمت؟ آشتی و ادغام مجدد در افغانستان



تزرینه سجاد

میزان ۱۳۸۹

## در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش‌های با کیفیت در عرصه‌های مختلف جهت آگاهی دهی، و استفاده از آنها در تاثیر گذاری روی پالیسی‌ها و فعالیت‌های گوناگون میباشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با تقویت و ارتقا ظرفیت‌های تحلیلی و ایجاد فرصت برای تفکر و بحث، میکوشد تا فرهنگ پژوهش و آموزش را در این کشور بیشتر ترویج دهد. این اداره، همچنان، سعی مینماید تا زمینه‌های بازتاب اندیشه‌ها، مباحث علمی، و مناظره‌های را فراهم سازد که پنداشته میشود باعث بهبود و پیشرفت فکری و ذهنی در ابعاد مختلف در زندگی افغانها میگردد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۱۳۸۱ خورشیدی با همکاری سازمان‌های امدادی که در این کشور فعالیت دارند تأسیس گردیده و اعضای هیئت مدیره آنرا نماینده گان مراجع تمویل کننده، سازمان ملل متحد، ادارات غیر دولتی و دیگر نهاد‌های که در امور مختلف در افغانستان مصروف فعالیت اند، تشکیل میدهد. این اداره، در حال حاضر، عمدتاً از جانب کشور‌های دنمارک، فنلند، ناروی، سویدن، سوئیس، و انگلستان تمویل مالی گردیده و موسساتی مثل انستیتوت جامعه باز افغانستان (FOSIA)، بنیاد آسیایی (TAF)، کمیسیون اروپا (EC)، و مرکز بین المللی انکشاف تحقیقات (IDRC) نیز بعضی از پروژه‌های مشخص این اداره را حمایت مالی می نمایند.

طراح گرافیک: وکیل وسیم

عکس روی جلد: اعضای قبلی طالبان در ولایات فراه و هرات در حال تسلیمدهی سلاح دستداشته‌شان به مقامات حکومت افغان در ماه ثور ۱۳۸۹. عکاس آن فریدون پویا از دفتر یوناما است، و این عکس تحت جواز کریتف کامنس ۲٫۰ مجدداً چاپ گردیده است.

شماره مخصوص نشریه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (1035D) است.

© ۱۳۸۹، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه میتواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه‌های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله‌ی، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجاری و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد شده و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ([www.areas.org.af](http://www.areas.org.af)) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده‌ی که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی [areas@areas.org.af](mailto:areas@areas.org.af) و یا تماس با شماره ۰۸۵۴۸۶۰۹۹۹ (۰۹۳) بدست آید.

## در مورد نویسنده

ترزینه سجاد از سال ۱۳۸۰ بدینسو در زمینه عدالت انتقالی، حقوق بشر و بررسی منازعات کار کرده و قبلاً با انستیتوت ملی دموکراسی در امور بین المللی، موسسه بین المللی حقوق بازمانده گان، و مرکز کارتر ایفای وظیفه نموده است. وی در سالهای میان ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به حیث عضو برنامه حقوق جهانی برای افغانستان، نیز داخل خدمت بود. ترزینه مؤلف "فاصله ها میان: کمیسیون مستقل حقوق بشر و نقش آن در عدالت انتقالی" است که در مجله بین المللی عدالت انتقالی (۲۰۰۹) به نشر رسید. نوشته های پژوهشی وی در مورد بازسازی بعد از جنگ، عدالت انتقالی، حقوق بشر و نقش جنسیت در منازعه در مجلات و کتب متعددی به نشر رسیده است. موصوفه در حال حاضر پایان نامه دکتورای خود را روی سؤالیهای عدالت و مصونیت در دانشکده خدمات عامه پوهنتون آمریکایی در ایالت واشنگتن دی سی ایالات متحده آمریکا به اتمام میرساند

## سپاسگذاری

مؤلف، از سهمگیری و همکاری شایان آنائیکه در تهیه این نشریه سهم گرفتند اظهار امتنان مینماید و از تمام کسانیکه با وجود کمی وقت در تقسیم اوقات کاری خودشان، حاضر شدند در مورد موضوع این نشریه با ایشان مصاحبه شود نهایت سپاسگذار است، هرچند نمیتوان از آنها نام برد. این نشریه بدون فراست، نظریات، توجه و امیدواری آنان برای برنامه آستی و ادغام مجدد افغانستان؛ تحرک های فعلی در افغانستان و دورنمای حقیقی شان برای آستی و ادغام مجدد در کشور، به این حد ممکن نمیرسید. سپاس ویژه از باز نگرانی که با نظریات ارزشمند و انتقادات سازنده شان روی مسوده این نشریه به غنای آن افزودند. در اخیر، مؤلف از گروه کاری واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان – سارا پارکینسن، شاپور امینی، جی لیمی، لورا کیم، هدایت الله و تیم او؛ و چونا ایچاویز به خاطر صحبت های آرام و مهربان اش – برای همکاری های چشمگیر آنان در تهیه وسایل تدارکاتی؛ و هماهنگی امور و حمایت های لازم برای این نشریه امتنان میکنم.

هرچند این نشریه از معلومات ارائه شده توسط اشخاص و افراد فوق الذکر به غنا رسیده است، اما موضوعات تذکار یافته در این نشریه منعکس کننده نظریات و عقاید من در زمینه اند.

ترزینه سجاد

اسد ۱۳۸۹

## خلاصه اجرایی

افغانستان کشوری در حالت جنگ است. شورشیگری در حال افزایش، خستگی جامعه جهانی از جنگ، و فشارهای پیهم روی دولت افغانستان برای جواب به این اقلیم نا مساعد و آشفته حال؛ تصمیم گیران را وا داشته است تا سعی کنند به این جنگ پیچیده و منازعه ی رو به افزایش و وخامت، پاسخ های موثری دریابند. در این اواخر، درک بیشتری در مورد ضرورت به داشتن راهبرد نظامی و غیر نظامی ارائه میگردد که، به گونه ی راهبرد دو جهتی، از جانبی جنگجویان طالبان سطوح پائین را مدغم میسازد و از جانب دیگر در جستجوی دریافت راه حل سیاسی به وضعیت فعلی از طریق مصالحه با رهبران شورشیان، در سطوح بالا، است. برنامه آشتی و ادغام مجدد افغانستان که به منظور شورشیگری رو به افزایش مطرح گردیده بود، به شکل پروسه افغانی به رهبری افغانها، توسط رئیس جمهور، حامد کرزی، منحصیث جامعترین برنامه آشتی و ادغام مجدد که از سال ۱۳۸۰ خورشیدی بدینسو در این کشور مطرح گردیده اند، در ماه جوزای ۱۳۸۹ به امضاء رسید.

برنامه فعلی آشتی و ادغام مجدد یک پالیسی بلند پروازانه ی است که پاسخگوی بعضی انتقادات مرتبط به چگونگی عملی سازی برنامه های قبلی نه چندان موفق مثل خلع سلاح، ملکی سازی و ادغام مجدد؛ خلع سلاح سازی گروه های مسلح غیر قانونی؛ و تقویت برنامه صلح، محسوب میگردد. این برنامه نقش بیشتر رهبری به نهاد های افغان، حکومت های محلی، و بازیگران محلی میدهد. این برنامه، همچنان، توجه بیشتری را به تقویت روابط و هماهنگی میان شرکای تطبیق کننده؛ و امنیت فردی و اجتماعی، و حل شکایات، مبدول داشته و علل پیوستن مردان را با شورشیان، ردیابی میکند.

دانستن اهمیت و بازتاب اندیشه ها در مورد این راهبرد و همچنان برداشت های جوانب درگیر روی مساعی و چالش های فرا راه پروسه آشتی و ادغام مجدد در کشور، محراق توجه این نشریه را تشکیل میدهد. معلومات متقاضی برای این پژوهش از مصاحبه های نیمه ساختاری، و غیر رسمی با جوانب متعدد تصمیمگیران افغان و بین المللی در کابل و واشنگتن دی سی، از ماه حمل ثور ۱۳۸۹؛ و اسناد موجود و گزارشات رسانه یی روی این راهبرد تا ماه سرطان ۱۳۸۹، بدست آمده است.

این پژوهش، نگرانی های متعددی را بر ملا میسازد. راهبرد برنامه آشتی و ادغام مجدد مبتنی بر حدسیاتی که ادغام مجدد از تشدید منازعات جلوگیری نموده و با حسن نیت میان جوانب ذیدخل عملی گردیده و باعث خلع سلاح شورشیان، منتج به بهبود وضع امنیتی و تقویت حاکمیت قانون در کشور میگردد. همزمان، اینکه، رهبران شورشی مبتنی بر انگیزه های تشویقی از جانب دولت افغانستان به آنها عفو و مسکن گزینی در کشور های سوم، به موضوع مصالحه با دولت افغانستان علاقمند میگرددند؛ نیز بخشی از این فرضیه را تشکیل میدهد. این فرضیه ها کامل نیستند. دو موضوع آشتی و ادغام مجدد را نمیتوان در عین زمان به گونه دو جانبه مرعی الاجراء قرار داد. به گونه مثال کمپاین خلع سلاح عساکر لزوماً برای ایجاد اعتماد جهت اشتغال رهبری سیاسی در میز مذاکره سودمند نیست و نه مذاکرات سیاسی تنها میتوانند منتج به متحد سازی و خلع سلاح جنگجویان شورشی در سطوح پائین به تعداد بزرگ گردد البته با در نظر داشت پیچیده گی منازعه. غیراینکه حمایت کافی برای متحد سازی جنگجویان تهیه گردد و رشته های مخالفت زیاد میان رهبری شورشیگری و دولت افغانستان به یک روند غیر نظامی از طریق ایجاد اعتماد و اطمینان در هر دو جانب (به گونه ی متقاضی برای مصالحه سیاسی) رسیده گی خوب صورت گیرد؛ نه مصالحه و نه ادغام مجدد بدست نخواهند آمد.

علاوتاً، پیشنهادات فرصت های اقتصادی و مذاکره سیاسی در برنامه فعلی آشتی و ادغام مجدد در رسیده گی به تعدد پیچیده گی عواملی که باعث شورشیگری فعلی شده اند کمبوداتی موجود است، به شمول ناکامی دولت افغانستان برای برآورده ساختن تعهدات اش، خشم روز افزون در مقابل نیرو های نظامی بین المللی، استخدام شورشیان افراطی، حمایت بازیگران خارجی که در میان مخالفین در تمویل برنامه ریزی و مشارکت در شورشیگری کوتاه انکشاف می یابد. در حالیکه دولت افغانستان و جوانب عمده بین المللی به شمول ایالات متحده به تفاهم مشترک برای ادغام مجدد رسیده اند ولی عدم مافقت میان آنها روی نتایج پروسه موجود است. دولت افغانستان با باوری فعالیت میکند که هردو خلع سلاح شورشیان و به میان آوردن مذاکره سیاسی با شورشیگری باید همزمان صورت گیرد تا منازعه با پایان برسد. اختلاف بازیگران بین المللی، مخصوصاً ایالات متحده آمریکا از خلع سلاح سازی جنگجویان شورشی در سطوح پائین حمایت میکند، اما در مورد مذاکره سیاسی با رهبران شان بسیار محتاط است، عمدتاً بخاطر حساسیت های سیاسی در کشور های شان که آنها از سال ۱۳۸۰ بدینسو به کی "دشمن" خطاب میکنند. این باور نیز وجود دارد که، مبنی بر نظریه نظامی، مذاکرات سیاسی باید تنها وقتی صورت بگیرد که شورشیان بطور قابل ملاحظه ی رو به ضعف رفته باشد. برای راهبرد آشتی و ادغام مجدد که ظاهراً در اقلیم حساس فعلی کامیاب باشد نیاز مبرم وجود دارد تا هردو موقف متذکره با در نظر داشت نتایج آنها با هم وفق داده شوند.

در سطح عملیاتی، مصاحبه شونده گان اندازه قابل ملاحظه‌ای در ظرفیت، تحرک و متعهد بودن اداره فعلی افغانستان برای اجراء چنین عملیات‌های پیچیده و جامع ابراز شک مینمودند، اظهار داشتند. سطح محرمیت و تردد در مورد این راهبرد میان پاسخ دهنده گان این پژوهش عدم راهکار همگون بلکه عدم موجودیت اعتماد و اطمینان میان خود جوانب را نیز بیان میکند که بیشتر آنها مستقیماً در تمویل یا اجراء این پروژه سهیم خواهند بود.

این پژوهش برداشت معمول دیگری را نیز میان بازیگران ملی و بین المللی آشکار میسازد که راهبرد آشتی و ادغام مجدد یک پیشنهاد ناکارا توسط جامعه جهانی برای حمایت از "استراتژی زنده" سریع است که عساکر آنها را دوباره به خانه هایشان برگرداند. این امر با باور رو به افزایشی ترکیب یافته که برنامه آشتی و ادغام مجدد راهبردی به رهبری افغانها و از خود افغانها نیست، بلکه بخشی از راهبرد مبارزه با شورشیگری است و از اینرو تحت حمایت و کنترل و سلطه نیروهای نظامی بین المللی قرار دارد. در نهایت، پاسخ دهنده گان به این تحقیق اظهار داشتند در حالیکه این راهبرد در جامعه جهانی مورد تأیید واقع میگردد اما به عوامل موجود و واقعیت‌های عینی در جامعه نتایج متوقعه را در بر نخواهد داشت.

بالاخره این پژوهش در یافته است که وضعیت فعلی سیاسی محدودیت‌های متعدد عملیگرایانه را به میان می آورد. در حقیقت، با تطبیق راهبرد آشتی و ادغام مجدد، میشود پیشبینی کرد گروه‌ها و افراد مختلفی را یافت که با اشکال و با تغییر شکل مصالحه، قصد تضعیف قدرت دولت را کنند. این پژوهش همچنان در می‌یابد که تمرکز عمومی بالای "صلح سازی" و "مصالحه" با شورشیان به این معنا است که راهبرد آشتی و ادغام مجدد در پاسخدهی به خواستهای قربانیان جنگ را نادیده گرفته است. بدون توجه کافی به ابعاد مختلف عدالت، که افغانها به آن نیاز دارند و توجه به پروسه "حقیقی" مصالحه، راهبرد آشتی و ادغام مجدد بازهم یکی از شتابزدگی سیاسی دیگر به حساب رود.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، سفارشات هفتگانه گسترده برای دست اندرکاران برنامه آشتی و ادغام مجدد با موضوعات وسیعتر صلح و مصالحه در افغانستان ذیلاً ارائه می‌گردند:

## ۱. افزایش شفافیت و هماهنگی مطمئن

یک تلاش متحد جهت شفاف ساختن پروسه‌هایی چون این راهبرد و انکشاف برخورد هم‌آهنگ میان تصمیم‌گیران مختلف. جامعه جهانی باید از فرستادن پیام‌های مختلط در مورد اینکه چه ممکن است و چه را میخواهند حمایت کنند، باید جلوگیری کند. نیروهای آمریکایی و آسیایف نیز باید در یک مسیر قرار گیرند و پشتیبانی مستقلانه اداره ملکی را توقف دهند.

## ۲. ایجاد معیارهای دقیق برای دولت افغانستان جهت تطبیق راهبرد آشتی و ادغام مجدد

تمویل‌کننده گان نیاز دارند که شرایط مشخص را برای تعهدات مالی شان برای حمایت راهبرد آشتی و ادغام مجدد تعیین کنند؛ و دولت افغانستان هم باید مقررهای معینی را به وجود بیاورد که مطمئن گردد تمام جوانب حامی این راهبرد به تعهدات شان تا حد امکان به موقع و موثر عمل میکنند. یکسانی بیشتر میان دونه‌ها برای اطمینان از تطبیق راهبرد متذکره و بازدهی آن میتواند بیشتر موثر و پایدار باشد.

## ۳. شناخت حقایق محلات و مدیریت خواستها

خواسته‌های که دولت افغانستان باید به آنها پاسخ بدهد، بسیار بزرگ است، اما حقیقت این است که دولت برای پاسخدهی به خواسته‌های متعدد در وضعیت بحران و جنگ بسیار ضعیف است. برای تصمیمگیران مشکل است تا عوامل بالقوه پیشبینی شده راهبرد متذکره و مصالحه سیاسی را در کل کاهش داده و به خواستها و تقاضاها در عین زمان رسیده گی نماید.

## ۴. انکشاف یک استراتیژی نیرومند مذاکره، تقویت ظرفیت مذاکره دولت افغانستان و در نظر گرفتن یک نقش برای مذاکره کننده موثر

جامعه جهانی اجراء نقش حساس و غیر متوازن را باید ادامه بدهد که ضعف های دولت افغانستان در مذاکرات متوقعه بدون سایه افگندن روی مسیر عملی آن، شناسایی شود. پافشاری از جامعه جهانی در مورد تعیین پیش شرط ها میتواند به مفهوم آن باشد که رهبری شورشیان از مذاکره با دولت افغانستان انکار نماید. ممکن روند مشغولیت موثر بیشتر برای کمک به تعریف چگونگی راهبرد قوی مذاکره، شناسایی چگونگی نایل آمدن برای مذاکرات سیاسی، و آغاز کار همسان برای تقویت ظرفیت دولت افغانستان، مفید باشد. جامعه جهانی همچنان میتواند تاکید کند که یک راهبرد همه جانبه و شفاف باید اشتراک و اجماع ارگانهای حقوق بشر و حقوق زنان را با خود داشته باشد. این ارگانها نگران اند که در غیاب آنها با دستاورد های آنان مورد معامله قرار گیرد.

ملل متحد باید گروه متخصصی را با دولت افغانستان و جامعه جهانی استخدام کند تا گزینه ها و چهارچوب برای مذاکرات موثر بسازند و کمک کنند تا یک میانجیگر موثر و قابل اعتماد شناسایی گردد که میان دولت افغانستان و شورشیان و در مواقع ضرورت میان دولت افغانستان و فعالین خارجی میانجیگری بتواند.

جامعه بین المللی نیاز دارد تا منحیث ناظر بالای این روند و انکشافات بحرانی نظارت داشته باشد. فشارهای پایدار بالای پروسه مذاکره بیاورد و از نهاد های جامعه مدنی حمایت کند تا در شرایط بدست آمده، تقویت یابند.

## ۵. شکل دهی استراتیژی های منطقی و در نظر گرفتن بازیگران خارجی

عدم موجودیت راهبرد منطقی روشن باعث به میان آمدن نابسامانی، نگرانی و تردید ها در موقف و سیاست خارجی ایالات متحده میگردد. برای ایالات متحده، راندگی کشتی خیانتبار سیاسی به معنای برقراری یک رابطه دیپلماتیک با ایران، توجه روی نگرانی های پاکستان و هندوستان در مورد مشارکت هردوی شان در افغانستان و فشار آوردن بالای آنها به قطع جنگ شان روی کشمیر در خاک افغانستان است.

## ۶. خواسته های قربانیان جنگ در نظر گرفته شود

جامعه بین المللی باید فشار خود را بالای دولت افغانستان برای رسیده گی به سوالات عدالت به شکل شفاف و همه جانبه آن متشکل سازد؛ برداشتن گامهای ضروری برای جلوگیری از بهره برداری از بازمانده گان جنگ و سو استفاده قدرت در تطبیق برنامه آشتی و ادغام مجدد؛ و برطرفی کسانیکه از صلاحیت ها و مقامات شان در سیستم برای خدمتگاری به قدرتمندان استفاده میکنند از سمت های شان، بیشتر سازد. برنامه موجود در مورد صلح، مصالحه و عدالت در افغانستان سند متکی به خود است که در حالیکه توجه روی چگونگی موثریت اداره سازی دارد، خواسته های متعدد قربانیان را ضبط میکند. دولت افغانستان نیاز دارد تا تعهدات خود در این سند را بازنگری کند و به تعهدات خود چگونه جامه عمل ببوشاند باید بیاندیشد. تلاشها برای ساختار میکانیزم مسئول و صادق انجام گیرد. این منعکس کننده تعهدات برنامه عمل ملی و همچنان خواسته های رو به افزایش برای چنین میکانیزم میان مردم افغانستان خواهد بود.

## ۷. برای تعهدات درازمدت در افغانستان باید آماده بود

باوجود فشار برای برگشت نیرو ها به کشور های شان، و تقاضا برای گذاشتن نقطه ختم به این جنگ، نیاز است تا جامعه جهانی توسعه اموری را که برای برآورده ساختن تعهدات خود در این کشور تلاش کرده میتواند و یا نمیتواند، ارزیابی کند. یک دولت قوی در افغانستان را نمیتوان در یک یا دو سال ایجاد کرد و توقعات باید خوب میزان شوند. بعلاوه، ترجیحاً از دست کشیدن آنی، بهتر است به کمک دراز مدت این کشور برای پیشرفت سیاسی، اقتصادی، قانونی و اجتماعی تعهد و تلاش شود.



نسخه چاپی این کتاب به طور رایگان در دفتر این اداره موجود است

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

جاده گلروشی (نبش سرک ۲) شهر نو کابل، افغانستان

تیلیفون: ۶۰۸ ۵۸۴ ۷۹۹ (۰) ۹۳+

ایمیل: [areu@areu.org.af](mailto:areu@areu.org.af)

وب سایت: [www.areu.org.af](http://www.areu.org.af)

